

آغاز دوباره اعتصاب سراسری رانندگان کامیون در دهها شهر حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۲



نقطه قدرت اعتصاب پیروزمند ۲۱ شهریور

نسان نودینیان

اعتصاب ۲۱ شهریور بر بستر شرایط های سیاسی - مبارزاتی معینی در شکل سازمانیافته، و ادامه اعتراض میلیونی مردم در دی ماه ۹۶ علیه بیکاری، گرانی، فساد و دیکتاتوری و بر بستر مبارزه ای قاطع و سراسری در سطح ایران و بین المللی علیه احکام اعدام و کمپین تجات رامین حسن پناهی پیروزمندانه بر صفحه تاریخ اعتراضی و سیاسی علیه حکومت اسلامی ثبت شد.

کمپین علیه اعدام بعنوان يك اعتراض سیاسی و مبارزاتی با شناسنامه بین المللی و داخل کشوری در يك دهه گذشته به بستر اعتراضات توده ای و مبارزه علیه اعدام و اعمال خشونت علیه حکومت اسلامی بمیدان آمده و تا کنون در مقاطع مختلف يك رکن مهم و پایه ای اعتصاب، مبارزه توده ای و راه پیمایی اعتراضی بوده است.

اعتصاب ۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۹ (علیه اعدام فرزاد کمانگر و ۴ نفر از زندانیان سیاسی)، مبارزات یکپارچه مردم شهر مریوان در ۲۳ دی ماه ۹۱ (علیه احکام اعدام زانیار و لقمان مرادی) و (در حمایت از دردنامه زانیار) خود نیز زمینه های مبارزات توده ای و اعتراضی را در جامعه تقویت و پیش برده است.

بر متن مبارزه علیه اعدام ما، شاهد اعتصاب پیروزمند ۲۱ شاریور ۱۳۹۷ هستیم.

کمپین تجات جان رامین حسین پناهی که کارزاری توده ای و قوی در چند ماه گذشته در جریان بود، با حمایت های وسیع سراسری در ایران و بین المللی، عرصه ای اعتراضی و کوبنده علیه اعدام و علیه حکومت اسلامی را رقم زد. این کمپین در رسانه های بین المللی و پرتیراژ مورد توجه قرار گرفت. صفحه ۲

گزارشی از مضحکه انتخاباتی در اقلیم کردستان عراق

صفحه ۳

هیوا احمد

دستگیر شدگان روزهای اخیر در کردستان باید فوراً آزاد شوند سیاست امنیتی حکومت باید در هم شکسته شود

صفحه ۳

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری

نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

صفحه ۵

نسان نودینیان

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

صفحه ۶

عزیزه لطف الهی

مهتره های سوخته و رانده شده از رژیم را باید هر چه بیشتر رسوا کرد

صفحه ۷

عبدال گلپریان

اطلاعیه های حزب کمونیست کارگری

به مناسبت آغاز سال تحصیلی

آموزش رایگان و غیر مذهبی حق مسلم ماست!

صفحه ۴

احضار و تهدید کارگران معترض ماشین سازی
هیکو نباید بی پاسخ بماند

اطلاعیه در مورد حمله به نیروهای نظامی
جمهوری اسلامی در اهواز

صفحه ۸

هیچگاه با شما وداع نمیکنم!

صفحه ۹

مینا احدی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

نقطه قدرت اعتصاب ...

صفحه ۱



نسان نودینیان

حزب کمونیست کارگری ایران و مینا احدی و تلویزیون کانال جدید، کمیته علیه اعدام در سطح سراسری و بین المللی فاکتور اصلی و مهم مبارزه قاطع علیه اعدام هستند.

مبارزه علیه اعدام عرصه ای سراسری و بین المللی است. توجه میلیون ها نفر از مردم و متنفذان اعدام و احکام اسلامی و قضایی قصاص را بخود جلب و مبارزات آنها را هدایت کرده است. ما در اطلاعیه کمیته کردستان نوشتیم: "این اعتصاب عمومی شکوهمند در پاسخ به آدمکشی جمهوری اسلامی بود. جمهوری اسلامی روز ۱۷ شهریور سه جوان عزیز مردم، زانیار و لقمان مردی و رامین حسین پناهی را اعدام کرد. همان روز با موشک به مقررات دو شاخه حزب دمکرات کردستان حمله کرد و جان ۱۶ نفر را گرفت و تعداد زیادی را مجروح کرد. جمهوری اسلامی که همواره با زبان خون ریختن و سرکوب با مردم حرف زده است، اینبار نیز تقلا کرد با اعدام و جنایت، بخیال خود مردم را مرعوب کند. مردم با این اقدام متحدانه و کم نظیر خود پیاخاستند و جنبش علیه اعدام اکنون بسیار جلوتر آمده و ادامه کمپین قوی و نفس گیر نجات رامین حسین پناهی، دست زدن به اعتصاب عمومی است. این پاسخ محکم و کوبنده مردم به اعدام فعالین سیاسی بود. مردم کردستان در ابعادی میلیونی به جمهوری اسلامی اعلام کردند، اگر بکشید و جنایت کنید، فقط آتش خشم ما را شعله ورتر میکنید و روز سرنگونی و پایان دادن به این دستگاه جنایت اسلامی اتان را نزدیکتر میکنید."

مردم کردستان تجربه موفق اعتصاب ۲۳ اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۹ را پشت سر نهاده اند. این اعتصاب به اعتراض اعدام فرزاد کمانگر و چهار نفر از زندانیان سیاسی انجام شد. و اعلام انزجار توده میلیونی جامعه کردستان علیه اعدام، بود. فرزاد کمانگر بعنوان يك چهره محبوب، و معلم مبارز که با ادبیات شیرین و ساده اش نظر میلیونها نفر از مخالفین با اعدام را بخود جلب کرده بود، در دوره حیاتش متاسفانه نتوانست در موضع فراخوان دهنده قرار گیرد. ما فرزاد و چهار زندانی سیاسی عزیز را از دست دادیم و به

اعتراض به این اعدامها بود که مردم کردستان در شکل سراسری دست به اعتراض و اعتصاب زدند.

در ۲۳ دی ماه ۱۳۹۲ زانیار مرادی با ارسال درد نامه اش خطاب به افکار عمومی با تیتیر "پخش يك دردنامه از درون زندان رجایی شهر، حرفهای دل يك زندانی جوان ۲۱ ساله که از ۱۷ سالگی اسیر دست حکومت بیرحم و انسان ستیزاسلامی شده، جوانی که در دوره اسارتش از جانیان چیزی جز بی حرمتی و شکنجه و آزار واذیت ندیده، مدافعین حقوق انسان را تکان داد". و زمینه های اجتماعی - سیاسی اعتراضات مردم در سطح ایران (در کردستان و سراسری) و بین المللی را فراهم کرد و این عرصه از مبارزه را وارد فاز جدیدی کرد. در این روز (در ۲۳ دی ماه ۹۲) مردم شهر میوان دست به اعتراض زدند، و جنبش سراسری و بین المللی علیه اعدام، در حمایت از دردنامه زانیار با شرکت توده ای مردم و افکار عمومی، وارد فاز جدیدی شد.

درس ها و تجارب ارزنده اعتصاب پیرومند را باید بیشتر از این معرفی کرد. اعتصاب ۲۱ شهریور ۹۷ به دلیل شاخصها وفاکتورهای اجتماعی و مبارزاتی (مبارزه علیه اعدام، حضور فعال طیف وسیعی از فعالین زنان و کارگری و اجتماعی، حضور فعال نهادهای مردمی از قبیل فعالین زیست محیطی، فعالین حقوق کودکان، فراخوان مشترک احزاب و سازمانهای چپ و کمونیست و بر متن اعتراضات سراسری از دی ماه ۹۶ متفاوت و منحصر به دوره تاریخی اعتراضی - مبارزاتی مردم در سطح سراسری است. الگوهای ابراز وجود این اعتصاب فراتر از چند شهر و روستاهای کردستان و حمایتهای وسیع توده ای خود نیز بر میزان متفاوت بودن پیرومند اعتصاب افزوده است.

در پیروزی اعتصاب ۲۱ شهریور احزاب و نیروهای چپ و کمونیست نقش و تاثیرات مهم و قابل توجهی بر اساس داه های سیاسی و مبارزاتی و خواستهای رادیکال آنها، داشتند. بعنوان نتیجه گیری: خواست اصلی و پرچم اعتصاب و نارضایتی های ۲۱ شهریور ۹۷ ماه با شرکت ده ها شهر و روستا در کردستان و خارج از مرزهای جغرافیایی کردستان، انزجار عمومی از مجازات اعدام و حملات وحشیانه علیه اپوزیسیون بود. تا زمانیکه رژیم اسلامی و حاکمیت سیاه این نظام مذهبی و اسلامی وجود دارد مبارزه و اعتراضات مردم در ایران و در خارج از کشور ادامه دارد. در حال حاضر ده ها فعال سیاسی و ده ها نفر از رهبران کارگری و معلمان، زنان مبارز و آزادیخواه زندانهای رژیم اسلامی در بند و زندانی هستند، مبارزه برای لغو مجازات اعدام و آزادی زندانیان سیاسی و مبارزه قاطعانه تا رسیدن به این اهداف - لغو اعدام - ادامه خواهد داشت. اشکال اعتراضی و مبارزاتی - لغو اعدام - در

آغاز دوباره اعتصاب سراسری رانندگان کامیون در دهها شهر

های جامعه به خود جلب کرد. بدنبال این اعتراضات قدرتمند بود که وعده های بسیاری به رانندگان کامیون و کامیونداران داده شد. پوچ بودن این وعده ها و عملی نشدن خواستههای رانندگان و کامیونداران باعث دور جدید اعتصاب آنان شده است.

به محض اعلام این اعتصاب سراسری، جهانگیری معاون اول روحانی از ابلاغ بخشنامه تامین لاستیک و اجرایی شدن فوری آن خبر داد. در پاسخ به جهانگیری هماهنگ کنندگان اعتصابات سراسری رانندگان کامیون با اعلام اینکه هدف آنها فقط دریافت کردن لاستیک و روغن و قطعات خودرو نیست بلکه پایان دادن به ظلم و نابرابری در جامعه است، از اول مهر اعتصاب خود را آغاز بطور نامحدود آغاز کردند.

رانندگان کامیون و کامیونداران در حرکت اعتراضی قبلی خود به معضلاتی چون افزایش قیمت بیمه ها، عوارض اتوبانها، کمیسیون باجریها و هزینه تعمیرات و لوازم یدکی و هزینه ای که به دلالتن تعلق میگردد و گرانی دیگر هزینه های زندگی از یکسو و ثابت بودن کرایه بار از سوی دیگر اشاره کرده بودند. با تشدید گرانی ها بدنبال سقوط سرسام آور ریال، این معضلات برای آنها ابعاد فاجعه باتری بخود گرفته است.

اعتصاب عمومی رانندگان کامیون و کامیونداران در کنار اعتراضات گسترده کارگری و فضای پر تلاطم جامعه، بویژه در ادامه اعتصاب سیاسی سراسری مردم کردستان علیه اعدامها و سرکوبگری حکومت اسلامی بیش از هر چیز نشاندهنده اوضاع طوفانی جامعه است. اعتراض به گرانی ها و زندگی زیر خط فقر امروز محور اعتراض بخش های عظیمی از جامعه است. این اعتراضات مستقیما کل بساط توحش و بربریت حاکم را به چالش میکشد. رانندگان کامیون و کامیونداران با اعتصابات سراسری، متحد و قدرتمند خود یکی از راههای مهم مبارزه علیه حکومت را مورد تاکید قرار میدهند. حزب کمونیست کارگری حمایت قاطع خود را از اعتراضات رانندگان کامیون و کامیونداران اعلام میکند.

پیش بسوی

اعتصابات و اعتراضات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران

۱ مهر ۱۳۹۷، ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۸

دور جدید اعتصاب سراسری رانندگان کامیون و کامیونداران امروز اول مهر آغاز شد. این اعتصاب ابعاد بسیار گسترده ای بخود گرفته و در بیش از ۸۰ شهر جریان دارد. گزارشها از چشم انداز گسترش بیشتر اعتصاب خبر میدهند. با شروع اعتصاب در این روز اغلب پایانه های حمل و نقل شهرهای مختلف خالی ماندند و رانندگان کامیونها برای بارگیری حاضر نشدند. از جمله پایانه های امیرکبیر و شاپور جدید در اصفهان، پایانه مبارک، پایانه بندرعباس، پایانه موسوم به خمینی شهر، پایانه زنجان، پایانه شاپور اصفهان و پایانه مشهد بطور کامل بسته شدند. شهرها و مناطقی که امروز در اعتصاب بودند از جمله عبارتند از: یزد، بجنورد، اردکان، همدان، اراک، نهاوند، ملایر، ساوه، شاهرود، نکا، بروجرد، کرمانشاه، بردسیر، سیرجان، شهریارک، کامیاران، مهاباد، محور دهگلان سنندج در محدوده کرده صلوات آباد، سنندج، بوکان، کرمان، قم، قزوین، شیراز، مرودشت، سروستان، آباده، کازرون، زاهدان، چابهار، کاشمر، تایباد، سبزوار، نیشابور، مشهد، صابین قلعه در استان زنجان، نهبذانی در خراسان جنوبی، گرمه، جاجرم، سمنان، نهبندان، لردگان، شهرکرد، تهران، اتوبان فتح تهران، بوشهر، بندرامام، اهواز، خرمشهر، دزفول، ایلام، سیمیر، شهرضا، قروه، خمینی شهر اصفهان، اصفهان، چرمهین اصفهان، مریانج روستای قوشچیاپانه زرین شهر، نجف آباد، شاهین شهر، ایلام، زرین شهر، مبارکه، اردبیل، ارومیه، بستان آباد، تبریز، جاده ناین به اردستان، جاده آبتین، تاکستان و جلفا.

رانندگان کامیون به گرانی، بیکاری، نداشتن امنیت شغلی، پرداخت نکردن بموقع حقوقها، نداشتن حق ایجاد تشکل و سندیکیهای کارگری و وعده های توخالی مسئولین اعتراض دارند و این موارد در بیانیه هماهنگ کنندگان اعتصاب بیان شده است. يك اعتراض دیگر رانندگان کامیون اعتراض به ناامنی جاده ها و محسوب نشدن این شغل بعنوان يك کار زبان آور است.

یادآوری کنیم که رانندگان کامیونها و کامیونداران در خرداد ماه نیز در حدود ۱۷۰ شهر اعتصابی قدرتمند را برپا داشتند. اعتصاب آنان در آن مقطع بخش های مختلف حمل و نقل را در برگرفت و حمایت و همبستگی بسیاری را از سوی دیگر بخش

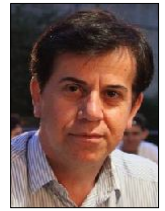
گرو حرکاتی نظیر اعتصاب و نارضایتی های توده ای است.

۲ مهر ۱۳۹۷

۲۴ سپتامبر ۲۰۱۸

زنده باد انقلاب انسانی
برای جامعه ای انسانی!

گزارشی از مضحکه انتخاباتی در اقلیم کردستان عراق



هیوا احمد

انتخابات دور گذشته در منطقه سلیمانیه که تحت حاکمیت اتحادیه میهنی است، جنبش گوران کرسی های بیشتری بدست آورد اما اداره امور این منطقه همچنان در دست اتحادیه میهنی قرار داشت و به گوران واگذار نشد.

مسئله برجسته دیگری که در این دوره انتخابات وجود دارد، عدم اعتماد به حاکمیت و عدم اعتماد به انتخابات است چرا که مردم این را خوب می دانند که بعد از اتمام انتخابات باز هم چیزی تغییر نخواهد کرد و باز هم این اتحادیه میهنی و حزب دمکرات هستند که با رنگ زرد و رنگ سبز در حاکمیت قرار میگیرند.

به همین خاطر پیش بینی میشود که تعداد زیادی از مردم در انتخابات شرکت نکنند و آنرا تحریم کنند. در همین رابطه بخش زیادی از مردم و فعالین مدنی به اشکال مختلف و بویژه در میدیای اجتماعی، کمپین تحریم و ضدیت با این انتخابات را پیش می برند.

مسئله دیگر در انتخابات این دوره، تقابل و اختلاف بین هر دو حزب اصلی در حاکمیت، اتحادیه میهنی و پارتی که در انتخاباتهای قبلی با یک لیست در رقابتهای انتخاباتی شرکت میکردند بیشتر شده است.

همچنین افزایش اختلاف این دو حزب با احزاب دیگر با نام اپوزیسیون نظیر گوران (جنبش تغییر) و دیگر احزاب اسلامی است که این احزاب هر دو حزب حاکم را به این متهم میکنند که شفافیت در پروسه انتخابات وجود ندارد و فقط با حقه و تقلب و تهدید، بیشتر آرا را به خود اختصاص میدهند.

قبل از شروع تبلیغات انتخاباتی، تنش و اختلافات زیادی مابین همه احزاب بر سر زمان انجام انتخابات و عقب انداختن آن در

کردند اکنون در موقعیت مساعدتری برای مقابله با سیاست های سرکوبگرانه هستند. پیروزی مردم را نمیتوان با این ترندها بعقب راند و دستاوردهای پیروزی اعتصاب، اقدام قاطع مردم علیه اعدام و وحشیگری حکومت، برای آزادی زندانیان سیاسی و علیه کشتار کولبران در جامعه پایدار خواهد ماند.

حکومت اسلامی در روز ۳ شهریور با طرحی توطئه گرانه ۴ فعال محیط زیست را کشت. جواب مردم عقب نشینی و تسلیم نبود. کوه پیمایی صدها نفر از زنان و مردان انقلابی بود که با میتینگی باشکوه و شعرخوانی و سخنرانی با شکوه برگزار شد و همایش قدرتمند ۴ شهریور در مراسم گرامیداشت شریف باجو بود که با شرکت چند هزار نفر، با سرودهای انقلابی در شهر میروان انجام شد. جواب مردم علیه زورگویی و فشار به کولبران و علیه بیسکاری اعتصابات وسیع مردم در شهرهای بانه، جوانرود، میروان و سردشت بود. جواب مردم به اعدام و حمله به اپوزیسیون نیز اعتصاب قدرتمند ۲۱ شهریور بود.

طبق آخرین اخبار ۴۰ نفر از فعالین به جرم شرکت در اعتصاب عمومی دستگیر شده اند. که

مردم شهرهای کردستان و چندین شهر مناطق غربی کشور روز ۲۱ شهریور با اعتصاب عمومی جواب دندان شکن و محکمی علیه اعدام و حمله به اپوزیسیون را در سطحی توده ای دادند. مردم در این روز قدرت متحدانه و شور انقلابی خود را با اعتصاب به نمایش گذاشتند. پیروزی را جشن گرفتند، رذالت و زبونی حکومت اسلامی را به نمایش گذاشتند و گامهای بسیاری را در مسیر سرنوشتی و پایان دادن به حاکمیت رژیم اسلامی پیمودند! جمهوری اسلامی که با دستگیری و تهدید مردم نتوانست جلو اعتصاب را بگیرد، برای تقویت روحیه مزدوران خود در شهر بوکان نمایش رژه مسخره راه انداخته و رژه مزدوران خود را در شهر براه انداخته است، در شهرهای میروان، سنندج، اشنویه، بوکان، سردشت و روانسر تعدادی از جوانان را دستگیر کرده و به منظور ایجاد فضای ترس در یک نمایش مضحک مغازه هایی را که دست به اعتصاب زده بودند، با رنگ مشخص کرده است.

میتوان و باید این رفتار سرکوبگرانه حکومت را نیز به شکست کشاند. مردمی که قدرت خود و ناتوانی حکومت را تجربه

اسامی ۲۵ نفر از دستگیر شدگان بقرار زیر هستند:

میروان ۱. آرام فتحی ۲. سوران دانشور ۳. مسلم ابراهیمی ۴. دلیر روشن ۵. محمد ازکات ۶. احمد تبیره ۷. نوشیروان خوش نظر ۸. احسن امانی ۹. آرمان امانی

سنندج ۱. خالد حسینی ۲. مختار زارعی ۳. مظفر صالح نیا اشنویه ۱. خالد گنجی ۲.

رشید ناصرزاده ۳. خدر دولتی ۴. سیامند دولتی ۵. موسی آذری روانسر ۱. باقر صفری

سردشت ۱. جعفر رسول پور ۲. بهمن دندانساز ۳. محمد لیالانه ای ۴. محمد امینی ۵. وفا ۶. محمد بوکان ۱. دیاکو باغبانی

ایجاد فضای رعب و وحشت و دستگیری و شکنجه، برگزاری مناسک رژه مزدوران، سیاست همیشگی حکومت اسلامی بوده است. اما اینبار این مردمند که از سالها قبل در کردستان و در سراسر کشور مزدوران را به وحشت انداخته اند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ شهریور ۱۳۹۷

۱۴ سپتامبر ۲۰۱۸

سوی تمامی احزاب و جریانات و کاندیداها در این انتخابات، زیرپا نهادن موازین و قوانین کمیسیون انتخابات انجام گرفته است. از همان لحظات شروع تبلیغات انتخاباتی قبل از تعیین زمان از سوی کمیسیون، استفاده و بکارگیری مدارس، مسجدها و مراکز حکومتی برای تبلیغات انتخاباتی و دهها مورد دیگر از این دست صورت گرفته است.

۲۴ سپتامبر ۲۰۱۸

عراق برگزار شد، میزان شرکت مردم بسیار پایین بود و هر یک از احزاب اپوزیسیون تعداد بسیار کمی از کرسی ها را از آن خود کردند. از این رو این بار نیز ترس و نگرانی این را دارند که به همین شکل رای نیاورند و تعداد کرسیهایشان برای پارلمان اقلیم کردستان هم کمتر شود. بخش قابل ملاحظه ای از رای دهندگان احزاب اپوزیسیون آنانی هستند که هیچ آمیدی به انتخابات ندارند و تصمیم گرفته اند آنرا تحریم کنند.

لازم به ذکر است که در اولین لحظات شروع مبارزات انتخاباتی از

جریان بود. هر گاه پارتی بر سر انجام انتخابات تاکید میکرد، اتحادیه میهنی و احزاب اپوزیسیون به دلیل عدم آماده بودن لیست رای دهندگان و شرکت کنندگان که شفاف نیست و در اکثر موارد در انتخابات تقلب صورت میگیرد خواستار بتعویق انداختن آن بوده اند.

در در حقیقت ترس و نگرانی آنها این بوده است که مبادا رای نیاورند. به همین خاطر پیش بینی میشود که تعداد کمی از مردم در این انتخابات شرکت کنند چرا که در انتخابات ماه مه (اردیبهشت) که برای پارلمان

آزادی مردم کردستان، و تحقق حقوق انسانی و مدنی آنها در چهار چوب عراق، مادام که چنین نظام و رژیمی در این کشور بر سر کار است، غیر ممکن است. اتحادیه میهنی کردستان و حزب دمکرات کردستان بارها نشان داده اند که نه فقط هیچ جایی در تلاش تاریخی مردم کردستان عراق برای رهایی از ستم ملی و تبعیضات اجتماعی ندارد، بلکه خود جزو اولین موانعی هستند که باید از سر راه مردم و مبارزه آزادیخواهانه آنها کنار زده شوند.

به مناسبت آغاز سال تحصیلی آموزش رایگان و غیر مذهبی حق مسلم ماست!

همگان، به صف اول مبارزه بر حق مردم با جمهوری اسلامی رانده می‌شود.

سال تحصیلی شروع میشود در حالیکه فضایی از خشم و اعتراض میلیون‌ها خانواده را در بر گرفته و معلمان چالش‌های اعتراضی‌شان را شروع کرده‌اند. باید کاری کنیم که برای همیشه پدیده کودک کار از جامعه حذف شود. حق همه کودکان ما است که از یک زندگی شاد و انسانی و تحصیلی شاد و رایگان و سازنده و مورد احترام برخوردار باشند. باید دست در دست هم دهیم و علیه این وضعیت متحد و یکپارچه به میدان بیاییم. در تجمعات اعتراضی معلمان باید شاهد حضور وسیع خانواده‌ها باشیم و هرچه بیشتر اتحاد و همبستگی را تقویت کنیم. رابطه معلمان و خانواده‌های دانش‌آموزان را تحکیم کنیم و کلیه خواست‌های خود را از تحصیل کاملاً رایگان و ممنوعیت هر نوع اخاذی از خانواده‌ها تا پایان دادن به آموزش کالایی و مذهبی و تامین مطالبات بحق معلمان را به سنگ بنای اتحاد وسیع معلمان و میلیون‌ها خانواده دانش‌آموز تبدیل کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۷ شهریور ۱۳۹۷
۱۸ سپتامبر ۲۰۱۸



نوجوان حائز شرایط در سال تحصیلی جدید، کمی بیش از سی‌هزاره میلیون نفر به مدرسه خواهند رفت. بیش از یک‌چهارم دانش‌آموزان ترک تحصیل کرده‌اند و به‌دست بیرحم بازار کار رها شده‌اند. وزارت آموزش و پرورش کماکان با وقاحت و بیشرمی تمام اعلام می‌کند که به دلیل کسری بودجه چند هزار میلیاردری قادر به نوسازی و تجهیز مدارس نیست. بخش اعظم مدارس تخریبی و مستهلک هستند. کلاسهای درس خطرناک و فاقد ایمنی در کمین جان دانش‌آموزان و معلمان نشسته‌اند. کتب درسی و لوازم التحریر بشدت گران شده و بعضاً تا دویست درصد گران شده است. اما پاسخ حکومت احکام سنگین زندان و حکم شنیع شلاق به معلمان معترض و فعالین مدافع حقوق کودک است.

در مقابل چنین آموزش و پرورش، جامعه و بویژه معلمان آگاه و جسور ایستادگی می‌کنند و در این جدال نابرابر با کل دستگاه سرکوب حکومتی سپهر به سپهر می‌جنگند! دانش‌آموزان مقررات و مزخرفات مذهبی را لگدمال میکنند و آخوند و ملا را دست می‌اندازند. در هر بزنگاهی و در هر اعتراضی مطالبات روشن جامعه برای داشتن آموزش و پرورش شاد و انسانی، غیر مذهبی و با استانداردهای مدرن و امروزی و قابل دسترس برای

آغاز سال تحصیلی در هر جامعه‌ای میتواند بعنوان یک واقعه مهم موجب مسرت و شادی کل جامعه باشد. اما در جهنمی که جمهوری اسلامی برای مردم ساخته است، با آموزش و پرورش پادگانی، مذهب زده، کالایی و بشدت طبقه‌بندی شده و شهریه‌های سنگین امر آموزش به جدال بخش عظیمی از جامعه در نبردی نابرابر برای دسترسی به حق تحصیل بدل گردیده است. سال تحصیلی جدید اما در شرایطی شروع میشود که اعتراضات توفنده کارگران و معلمان و مردم زحمتکش از هر طرف سربلند کرده و با شروع مدارس و دانشگاه‌ها وحشت حکومت بیشتر و بیشتر میشود. معلمان از همین حالا تجمع ۱۳ مهر را اعلام کرده‌اند.

چهار دهه است جمهوری اسلامی با گروگان گرفتن میلیون‌ها کودک و نوجوان، با امنیتی کردن فضای آموزشی، با مغزشویی و بگیر و ببند، با گسیل گله آخوند و ملا به مدارس، با کوهی از خزعبلاتی که در متون درسی گنجانده شده است، مذبحخانه تلاش می‌کند از میان دانش‌آموزان سربازگیری کند. اما سرش به سنگ خورده است.

در حالیکه جامعه با هیولای گرانی، فقر و فلاکت و محرومیت در مبارزه‌ای بی‌وقفه به سر میرسد، کالایی به نام آموزش سرسام‌آورتر از همیشه گران می‌شود. از مدارس دولتی تا خصوصی، دست در جیب تهری مردم کرده و به سرکیسه کردن خانواده‌ها مشغولند. با گرانتر شدن شهریه‌ها، بخش وسیعتری از فرزندان مردم از دسترسی به تحصیل و مدرسه باز می‌مانند. از بیش از هیجده میلیون کودک و

تحصیل رایگان و زندگی شاد حق همه کودکان است

سال تحصیلی تازه‌ای فرا رسید و چند میلیون کودک در این کشور به دلیل فقر خانواده از رفتن به مدرسه محرومند. سال تحصیلی تازه‌ای فرا رسید و بسیاری از کودکان ناچار به کار کردن برای تهیه نان شبشان هستند. سال تازه‌ای فرا رسید و بسیاری از کودکان از ابتدایی‌ترین امکانات زندگی محرومند. کودکان، همه کودکان بلا استثنا حق دارند از تحصیل رایگان برخوردار شوند. حق دارند از شادی و رفاه برخوردار شوند. مدارس باید از دست درازی مذهب و آخوند و خرافات در امان باشند. دست مذهب و آخوند باید از زندگی کودکان و آموزش و پرورش کوتاه شود. با سرنگونی جمهوری اسلامی تحصیل رایگان و مبتنی بر آخرین دستاوردهای علمی را برای همه کودکان تامین خواهیم کرد.

زنده باد انقلاب انسانی برای یک جامعه انسانی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱ مهر ۱۳۷۹

تحصیل رایگان حق همه‌گان!

• آموزش عمومی اجباری و رایگان تا سن ۱۶ سالگی
• آموزش عالی رایگان و در دسترس برای همه متقاضیان



آموزش حق همه است و دسترسی افراد به آموزش و دوره‌های آموزشی باید کاملاً از سطح درآمد خانواده مستقل باشد.

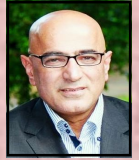


**دور نیست روزی که جمهوری اسلامی به قدرت انقلاب و
قیام ما مردم بزرگ کشیده شود.
نبرد نهائی در راه است.
خود را برای این نبرد آماده کنیم!**

تلفن و ای‌مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E-mail: abdulgolparian1@gmail.com

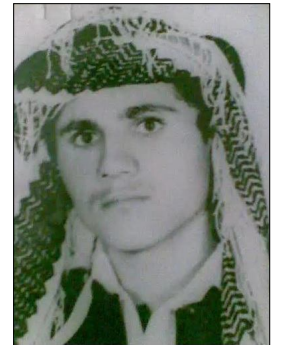


نسان نودینیان

نگاه هفته:

مجموعه اخبار و گزارشات هفته
از شهرهای کردستان

با برگزاری راهپیمایی باشکوه بیاد جانبختگان دهه شصت بدست رژیم جنایتکار اسلامی و در حمایت از مادران خاوران روز شنبه ۲۴ شهریور ۱۳۹۷-۱۵ سپتامبر ۲۰۱۸ و پوشش این راه پیمایی از تلویزیون کانال جدید تعدادی نامه و گزارش در ارتباط با جانبختگان این سالها که عکس و بیوگرافی شان هیچ جا منتشر نشده است، برایم ارسال شده و از من خواسته اند که اسامی و بیوگرافی آنها را منتشر و معرفی کنم.

بیوگرافی جوان ۲۰ ساله
صالح امین پناه

در سال ۱۳۴۲ در روستای تاته رشید از توابع دهگلان در خانواده ای زحمتکش متولد شده. در شهر سنندج در محله حاجی آباد تا کلاس سوم راهنمایی به تحصیل ادامه داده است. در مبارزات مردم علیه رژیم پهلوی فعالانه شرکت داشته، و با شرایط دمکراتیکی که در شهرهای کردستان برقرار بود در بنکه حاجی آباد فعالانه علیه حکومت اسلامی مبارزه کرد.

در سال ۱۳۶۱ در شهر سنندج دستگیر میشود و در ۲۰ دی ماه ۱۳۶۱ در سنندج اعدام میشود.

جنبش دادخواهی از کشتارهای دهه شصت، جنبشی پیگیر علیه حکومت اسلامی است. جنایت جمهوری اسلامی مربوط بگذشته نیست. جنایات و کشتار این رژیم باید در نزد مردم تبدیل بدادخواهی های حق طلبانه شود. دادخواهی از جنایت بیشماری جمهوری اسلامی

امری عملی و قابل دسترس است. روشن کردن و ثبت نام و اسامی کامل اعدامی هایی که در قتل عام های دهه شصت در زندانها جانبخته اند، اطلاعات مربوط به کسانی که در بمباران های شیمیایی جنگ ایران و عراق جان باخته اند، کسانی که در اثر میلیتاریزم و حمله ارتش و نیروهای سپاه پاسداران و اطلاعات رژیم اسلامی هدف گلوله قرار گرفته اند، اسامی اعدام های دسته جمعی که از مرداد ماه ۵۸ شروع شد و دسته دسته در شهرهای پاوه، سنندج، مریوان، سقز و مهاباد بجوخه اعدام سپرده شدند، امری عاجل و ضروری است. میدیای اجتماعی ارتباطات را ساده کرده است. با معرفی و ارسال بیوگرافی عزیزانی که توسط حکومت اسلامی جانبخته اند، به جنبش دادخواهی از کشتارهای دهه شصت بیونید! گرامی باد یاد جانبختگان سرنگون باد حکومت اسلامی

ایران

۲۲ سپتامبر ۲۰۱۸

به بهانه ی اول مهر

در این مهلت کوتاه و فشرده کلمات میتوان به همین بهانه بهانه های زیادی گرفت بهانه هایی از هر نوع، که صد البته چه بسا بسیاریشان معقول و قابل دفاع مینمایند، از جمله: حق تحصیل رایگان و بدون تبعیض برای همه کودکان، بهره جستن از امکانات و فضای آموزشی کافی، تنوع در فضا و محتوای مسایل آموزشی، و...

اما یکی از مسایلی که شاید به اندازه اهمیتش به آن پرداخته نشده، "مبنا قرار دادن تفاوت های فردی" در امر آموزش و پرورش کودکان است امری که اولین حق هر کودک در حوزه مسایل آموزشی بوده و میتواند شالوده آن نیز باشد.

امری که بیشتر کودکان به دلیل سیاست گذاری غلط و منسوخ برنامه ریزان و سیاست گزاران در امر پرورش و آموزش و عدم توجه به تواناییها، تفاوتها و علایق فردی، نه

فقط از آن محروم که مجبور به تحمل و گذراندن دوره های آموزشی طولانی مشابه و هم تراز برای همه کودکان فارغ از همه تفاوتها هستند. این نوع از مدیریت و برنامه ریزی آموزشی سالهاست که جواب خود را پس داده و نتایج غیر قابل انکارش را به وضوح میتوان دید. تفاوت های فردی امری مهم هستند که نادیده گرفتن آنها ضربه ای جبران ناپذیر بر پیکر آموزش و پرورش کودکان وارد می آورد. انسان از همان ابتدای کودکی هیجان و علاقه ی خاصی نسبت به شناخت دنیای بیرون و درون خود دارد و با نوع ارتباطی که با دنیای ناشناخته خود پیدا میکند حس مسئولیت پذیری، حل مشکلات و تصمیم گیری را به روش خود بدست میآورد. برای هر کسی یادگیری تجربه ای لذت بخش و طبیعی است. اما چرا با ورود به مدرسه تبدیل به یک مسله میشود!

بی شک سوال را باید متوجه برنامه ریزان آموزشی و زاویه دید آنها به امر آموزش کرد. آنها واحدی را برای سراسر یک کشور طراحی و به اجرا میگذارند، بدون آنکه برای تفاوت های فراگیران جایی در برنامه هایشان باشد. با نادیده گرفتن تفاوت های بین فردی و درون فردی فراگیران، مدرسه و نظام آموزشی را یک کارخانه ی صنعتی تلقی کرده که دارای تولیدات یکسان و هم شکل است.

از همینجاست که نظام آموزشی بجای اینکه فرصتی در اختیار همه افراد جهت رشد و اعتلا در نهایت بالندگی جامعه باشد، فراگیران تبدیل به مواد خام همین کارخانه ای خواهند شد که برنامه ریزان و دیگر افراد و سازمانهای دخیل در امر آموزش و برنامه ریزی، مدیران پلانمنازع با نیت و اهداف مشخص آن هستند.

"برای کودکان" ضمن تبریک به همه دانش آموزانی که سال نو تحصیلی را باهدف رسیدن به قله های دست یافتنی انسانیت شروع میکنند، و همچنین معلمانی که پشتیبان و چراغ راه پر فراز و نشیب این کودکان هستند، آرزو دارد که ساختار نظام آموزشی بر پاشنه ای بچرخد که بر درهای رشد و اعتلای اجتماعی باز شود و همه آحاد جامعه بدستان توانای خود یک دنیای بهتر و عاری از نابرابری و

تبعیض و خشونت را برای خود و آیندگانشان برسانند.

به امید تحقق

آرمانهای زیبای انسانی
"برای کودکان" اول مهر ۱۳۹۷پایه شبکه یاری کودکان کار
به مناسبت بازگشایی مدارس

در آستانه ماه علم و دانش، شبکه یاری کودکان کار ضمن گرامیداشت بازگشایی مدارس بر این باور است که با برخورداری برابر کلیه کودکان از حق آموزش و تحصیل رایگان، که براساس اصل سوم و اصل سی قانون اساسی مورد تاکید قرار گرفته است یکی از حقوق بنیادین کودکان تحقق خواهد یافت؛ حقی که برای تمامی کودکان ساکن در خاک سرزمینی مان به یک میزان مورد توجه است چنانچه که بنا به ماده ۲۸ کنوانسیون جهانی حقوق کودک نیز دولت موظف به فراهم آوردن امکانات آموزشی در دسترس و برابر نسبت به کلیه کودکان می باشد لیکن در حال حاضر نه تنها به رعایت این حقوق تمکین ننموده بلکه متولیان آموزش و پرورش کشور تاکنون به هیچ عنوان از این حیث پاسخگویی انتظارات و مطالبات جامعه مدنی نبوده است لذا بار دیگر تأکید می داریم که ایجاد تحول در سیستم آموزشی کشور امری اجتنابناپذیر بوده که صرفاً از مسیر برنامه ریزی نظام مند و نیز توجه به منابع انسانی و منابع مالی در حوزه آموزش قابل دستیابی است.

از سوی دیگر اصلاح سیستم آموزشی و ارتقا آن مستلزم تغییر رویکرد سیاست گزاران در حوزه کلان آموزشی است و نیز خروج از سیستم معیوبی که یادگیری حجم وسیعی از مطالب بر کودکان را جایگزین مهارت آموزی می نماید و متعاقباً نیز با تحمیل فشار روانی مضاعف بر کودکان موجبات ناکارآمدی آموزش را فراهم می آورد.

بی شک تحول سیستم آموزشی را می بایست در گام نخست از به رسمیت شناختن حق آموزش رایگان، در دسترس و همگانی همچنین از گشودن درهای مدارس بر روی کلیه کودکان فارغ از هر قومیت و تابعیتی آغاز نمود چرا که با وجود قوانین و مقررات موجود در خصوص اجباری و همگانی بودن آموزش برای کلیه کودکان مقیم در

این سرزمین، شوربختانه با اعمال سلیق شخصی و نقض قوانین و مقررات همچنان نسبت به پذیرش کودکان فاقد هویت و نیز مشکلات جدی مواجهیم.

به هر روی، اگر چه معتقدیم تا رسیدن به عدالت آموزشی فرسنگها فاصله داریم لیکن توجه به کودکان در سراسر این مرز و بوم و ایجاد فضای ایمن همراه با امکانات آموزشی برابر جزو حقوقی است که به جهت عدم مدیریت صحیح آموزشی تاکنون بسیاری کودکان از محرومیت این حقوق رنج می برند و مادامی که توجه به کودکان و حقوق اولیه آنان در اولویت اقدامات سیاست گزاران قرار نگیرد بودجه مختص آموزش و پرورش همچون سابق کفاف نیازهای آموزشی بویژه در مبحث حقوق و دستمزد کادر آموزشی را نخواهد داد و معلمین دغدغه مند که معاششان همواره در مخاطره می باشد امنیت روانی کافی در تحقق اهداف عالی را نخواهند داشت، لذا تأمین زندگانی معلمین هم راستای با پیش و ارزیابی عملکرد و نیز نظارت بر آنان از حیث سلامت روانی موضوعی است که می بایست همواره مورد توجه قرار گیرد.

از سوی دیگر کودکان امروز به همان میزان که به تغذیه سالم و مکفی نیازمندند، سلامت روان آنان نیز در اولویت قرار دارد. کودکان سالم نیازمند محیطی شاد و با نشاط می باشند و حق کودک بر شادی حقی است که کمتر در سیستم آموزشی مورد توجه قرار گرفته است. محرومیت از نشاط و شادی در دانش آموزان امروز حقیقتی است که قابل کتمان نبوده و نیازمند برنامه ریزی دقیق و ورود روانشناسان و مشاورین کودک در مدارس می باشد.

در خاتمه شبکه یاری کودکان کار انتظار دارد سال تحصیلی جدید سالی همراه با نوآوری آموزشی و تحولی مثبت در روش ها و شیوه های آموزشی باشد و بدین وسیله نیز آمادگی خود را نسبت به مشارکت در برنامه ریزی نظام مند آموزشی به متصدیان آموزش و پرورش کشور اعلام می دارد. به امید آنکه با اهتمامی افزونتر حق آموزش کلیه



اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان عزیزه لطف الهی

مرگی که آغاز خشم کودکان است

نوشته گلرخ ابراهیمی زبانی
سیاسی محبوس در زندان اوین،
درباره اعدام رامین حسین پناهی و
لقمان و زانیار مرادی.

رسمان‌ها کشیده شد / حلقه‌ها
سرها را بلعید / چارپایه بر زمین
غلتید / پوتین به عقب برگشت
و ... / گردن‌ها شکسته شد

یک دقیقه گذشت / همه چیز تمام
شد / تنها تکان بریدای در پاها /
که نای نگه داشتن دمپایی کهنه را
نداشت / تکانی دیگر ... / تکانی
دیگر

و مرگ / مرگی که پایان
نبود / مرگی که آغاز خشم کودکان
است.

زانیار مرادی، لقمان مرادی و
رامین حسین پناهی، مبارزان راه
آزادی، جاودان‌های مقاومت و
آموزگاران صبر و استقامت، بی
کمترین کرنشی، آزادمردانه درس
ایستادگی دادند و با حضور
دلاورانشان در حالی که در اعتراض
به برخورد‌های وحشیانه ماموران
رژیم، لب بر غذا بسته بودند به دار
آویخته شدند.

در برابر دیو استبداد و ارتجاع
ایستادند تا رسوا کنند ننگ و
افتضاح آنانی که خود را حاکم و
دولتمرد تصور می‌کنند و هیچ
نکردند جز جنایت. آنان که نامشان با
قتل عام آزادی‌خواهان و نسل‌کشی
گره خورده است و روی کار آمدن‌شان
با هزار خدعه و نیرنگ همراه بود.
بودن‌شان میسر شد به برپایی
شکنجه‌گاه‌ها و بیدادگاه‌های
بی‌بدیل‌شان دهن‌کجی زشتی شد به
حرفه قضاوت.

گورهای دسته‌جمعی در کارنامه
دارند و چهل سال تاریخ‌ننگین‌شان
عجین است با قتل عام‌های پی در
پی.

قاتلان جان‌باختگان هفدهم
شهریور ۱۳۹۷، در کنار قاتلان
فرزاد کمانگر، غلام‌رضا خسروی،
آرش رحمانی، شیرکو معارفی،
شیرین علم‌هولی، علی صارمی،

شهرام احمدی، محمد حاج‌آقایی،
جعفر کاظمی، حامد احمدی، محمد
عبداللهی، مجتبی محسنی، سعید
سلطان‌پور، مصطفی و علی مثنی،
علی‌رضا اکبری منفرد، رقیه
اکبری منفرد، شمس‌الدین فاضلی و
هزاران آزادی‌خواه دیگر که قربانیان
چهارده جنایات رژیم استبدادی
هستند، به همراه تمامی
منفعت‌طلبانی که آب در آسیاب
دژیم ریختند و همچنان سعی
دارند در مرثیه عزیزان‌مان پشمی به
کلاه رسوایی خود بیفزایند، در روز
موعود در پیشگاه خلق ایران
مجازات و وادار به پاسخ‌گویی
خواهند شد.

باشد که باور کنیم مجال
محکوم کردن نمانده است و کارزار
تاوان است.

گلرخ ابراهیمی ابراهیمی، بند زنان
زندان اوین، شهریور ۹۷

۲۵ شهریور ماه ۹۷ زن جوان اقدام به خودکشی نمود و جان خود را از دست داد.

به گزارش نگاهی به حقوق بشر
کردستان ایران؛ یک زن جوان پانزده
ساله به نام "عایشه گل محمدی"
به علت اختلافات خانوادگی اقدام به
خودکشی کرد و جان خود را از
دست داد.

لازم به ذکر است که: عایشه گل
محمدی فقط پانزده روز از ازدواجش
سپری شده بود.

زنان متأهل بیشتر از زنان مجرد
خودکشی می‌کنند و بیشتر آنها به
دلیل مشکلاتی که در زندگی
خانوادگی‌شان و نارضایتی‌ای که از
زندگی مشترک دارند و سختی روند
طلاق به دلایل مادی، و فشار
اجتماعی بیشتر از زنان مجرد دست
به خودکشی می‌زنند.

احکام تبرئه بازداشت‌شدگان تجمع روز جهانی زن قطعی شد

وکیل مدافع تعدادی از زنان
بازداشت‌شده در تجمع روز جهانی
زن از قطعیت یافتن احکام تبرئه هر
۲۱ زن بازداشت‌شده در این تجمع
خبر داد.

وضعیت حقوق بشر در ماه گذشته

زنان

از مهم‌ترین رویدادهای مربوط
به زنان می‌توان به بازداشت چند تن
از فعالان حقوق زنان از جمله هدی
عمید و کیل پایه یک دادگستری،
نجمه واحدی دانش‌آموخته رشته
جامعه‌شناسی و رضوانه محمدی
فعال حقوق زنان اشاره کرد.

همچنین پرونده دختر ۲۸ ساله
اهل شهرستان ملکان و یکی از
قربانیان آزار جنسی که می‌گوید
مورد تجاوز و آزار سلمان خدادادی
نماینده شهر ملکان که اکنون ریاست
کمیسیون اجتماعی مجلس شورای
اسلامی را نیز بر عهده دارد قرار
گرفته بود، با رد شکایت توسط
دادستان عمومی و انقلاب شهرستان
ملکان روبرو شد.

لازم به ذکر است که در این ماه
دو مورد قتل ناموسی در تهران به
وقوع پیوست.

دادگاه‌های اطفال و نوجوانان در سال ۹۶

بر اساس گزارش ارزیابی
عملکرد دستگاه قضایی در ایران،
تعداد پرونده‌های ورودی به دادگاه
های اطفال و نوجوانان در سال ۹۶
نسبت به سال ۹۵ با رشد ۵۰
درصدی، از سه هزار و ۴۰۹ فقره به
۶ هزار و ۴۹۰ فقره افزایش یافته
است.

درخواست ۳۴۰ فعال مدنی و
سیاسی از نسرین ستوده برای پایان
اعتصاب غذا

نسرین ستوده و کیل و فعال
حقوق بشر از سوم شهریور در زندان
دست به اعتصاب غذا زده است.
۳۴۰ نفر از فعالان مدنی، سیاسی و
فرهنگی در نامه سرگشاده‌ای خطاب
به نسرین ستوده خواهان پایان
اعتصاب غذای او شدند.

آناهیتا حر، دانشجوی بهایی از دانشگاه اخراج شد / سند

آناهیتا حر، دانشجوی بهایی
مقطع کاردانی پیوسته دانشگاه
غیرانتفاعی رسام کرج به دلیل
بهایی بودن از دانشگاه اخراج و از
ادامه تحصیل محروم شد.

دهمین روز اعتصاب غذای مهین تاج احمدپور در زندان نشتارود تنکابن

مهین تاج احمدپور، زندانی
سیاسی در زندان نشتارود تنکابن
است که در جریان اعتراضات دیمه

سال گذشته بازداشت و به ده ماه
حبس تعزیری محکوم شد. این
زندانی که از روز دوشنبه ۱۹
شهریورماه در اعتراض به عدم
رسیدگی پزشکی، مانع تراشی
مسئولین در استفاده وی از تلفن
زندان و تهدید شدن به بازکردن پرونده
جدید دست به اعتصاب غذا زده بود
با گذشت ده روز کماکان به اعتصاب
خود ادامه داده و با وجود وضعیت
نامناسب جسمانی از دریافت
خدمات درمانی محروم مانده است.

خشونت علیه زنان دوجنسگرا لیندزی گیرهام

بخشی از هفته مشاهده‌پذیری
دوجنسگرایان باید به بحث در این
باره اختصاص داده شود که چه طور
زنان دوجنسگرا بیش از سایر زنان
مورد خشونت قرار می‌گیرند.
خشونت علیه زنان دوجنسگرا بسیار
رایج است اما این خشونت قابل
مشاهده نیست.

حتی بیشتر فعالین حقوق
دگرپاشان جنسی و رنگین‌کمانی‌ها
و فعالین مبارزه با آزار جنسی هم از
آمارهایی که نشان می‌دهد زنان
دوجنسگرا بیش از سایر زنان در
معرض تجاوززند، مطلع نیستند. در
حالی‌که زنان دگرجنسگرا ۱۷ درصد
و زنان همجنسگرا ۱۳ درصد در
معرض تجاوز هستند، زنان
دوجنسگرا ۴۶ درصد در خطر
تجاوز هستند. به عبارت دیگر زنان
دوجنسگرا سه برابر زنان دیگر
احتمال دارد که مورد تجاوز قرار
بگیرند. همچنین زنان دوجنسگرا
بیش از زنان دگرجنسگرا و
همجنسگرا امکان دارد که مورد
آزار جنسی، خشونت و تعقیب
توسط شریک جنسی قرار بگیرند.
علاوه بر این زنان دوجنسگرایی که
از خشونت جان سالم به در برده‌اند،
کمترین حمایت عاطفی را بعد از
خشونت و بیشترین میزان افسردگی

و فشارهای روانی بعد از تجاوز را
تجربه می‌کنند و زمانی که از
مجاری رسمی مانند مراکز مداخله
در بحران تجاوز، مشاوران، پلیس و
درمانگران درخواست کمک می‌کنند
منفی‌ترین تجربه‌ها را دارند.

دلایل پیچیده‌ای برای این
تفاوت‌های فاحش آماری وجود دارد،
اما ساده‌ترین دلیل این است که زنان
دوجنسگرا در فرهنگ و رسانه‌ها
سکسی‌تر تلقی می‌شوند، درباره
آن‌ها فانتزی‌های جنسی قوی‌تری
وجود دارد و به راحتی به کالای
جنسی تقلیل داده می‌شوند. این

تصورات قالبی رواج دارد که زنان
دوجنسگرا هرزه هستند، وانمود
می‌کنند که دوجنسگرا هستند تا
جلب توجه کنند و همیشه به دنبال
رابطه جنسی (به خصوص) رابطه
سه نفره هستند. اساساً زنان
دوجنسگرا نه به صورت انسان بلکه
به صورت اشیای جنسی‌ای دیده
می‌شوند که همیشه به دنبال ارضای
فانتزی‌های جنسی فیلم‌های پورن
هستند. رضایت آنها اهمیتی ندارد،
به دلیل اینکه هویت دوجنسگرا
داشتن مستقیماً منتج به رضایت
برای رابطه با هر کسی که ممکن
است به رابطه با این زنان علاقه‌مند
باشد، تلقی می‌شود.

روز ۳۱ شهریور همزمان با آغاز سال تحصیلی

روز ۳۱ شهریورهمزمان با آغاز
سال تحصیلی جمعی از فعالین
مدنی با خانواده اسماعیل عبدی
معلم زندانی دیدار کردند، ملاقات
کنندگان بر لزوم آزادی فوری
اسماعیل عبدی تاکید کردند.
همچنین همزمان با آغاز سال
تحصیلی جمعی از فعالین مدنی با
خانواده محمد حبیبی معلم زندانی
دیدار کردند ملاقات کنندگان بر لزوم
آزادی فوری محمد حبیبی تاکید
کردند. ***



مهره های سوخته و رانده شده از رژیم را باید هر چه بیشتر رسوا کرد



عبدل گلپریان

محمد نوریزاد مهره کهنه کار جمهوری اسلامی که از حکومت و رهبرش رانده شده است، اخیرا با یال و کوپال هنری ناشیانه و آماتورش به منزل مادر و پدر رامین حسین پناهی رفته است تا از آنان "دلجویی" کند و خشم و نفرت این خانواده داغدیده از حکومت را کاهش دهد. او و همه سران حکومت اسلامی عمق تنفر و خشم خانواده رامین حسین پناهی و "خطر" حرکت‌های بعد از اعتصاب عمومی روز چهارشنبه ۲۱ شهریور را حس کرده اند. ایفای چنین نقشی گویا به محمد نوریزاد سپرده شده است که با سفرهای استانی، همچون دلقکی نقش ضربه گیر را ایفا کند. فعالین و چهره های سرشناس و با اتوریته در شهرها نباید اجازه دهند که این وامانده ها داغ و رخم مادران و پدرانی که فرزندان‌شان توسط همکاران نوریزادها بقتل رسیده اند را تازه کنند. این مهره سوخته و رسوا شده رژیم اسلامی را مردم کردستان بخوبی می شناسند و هرچه بیشتر باید رسواتر شود.

اینجا و در این رابطه نوشته ای را که ۲۲ نوامبر ۲۰۱۳ در مورد کارنامه اش نوشته بودم مجددا منتشر میکنم.

.....

مادر فرزند کمانگر جواب دندان شکنی به نوریزاد داد

محمد نوریزاد روز شنبه به شهر کامیاران برای دیدار با دایه سلطنه مادر فرزند کمانگر می رود اما دایه سلطنه مانع از ورود او به خانه اش می شود و با این حرکت و بنمایندگی از سوی همه مادران رنج دیده که حتی از گور فرزندان‌شان بی خبرند پاسخ دندان شکنی به نوریزاد می دهد. حضور این مهره سوخته رژیم اسلامی در این مکانها قبل از هر چیز توهین به شعور مردم و خانواده های داغدیده اعدام شدگان

و از رهبر گله کرده بود که چرا مثل موسوی و کروبی و خاتمی به عبادت خانواده اش نرفته و قدر حمایت های گذشته او از رهبری را ندانسته است: در ادامه این نامه نوریزاد از رهبرش انتظار دارد که او را اینگونه که خود علاقمند است مورد خطاب قرار دهد: «فلانی -نوریزاد- درست در روزهای بحرانی، با برنامه های تلویزیونی اش، با نوشته هایش، برای من رهبر که در معرض تهاجمات طوفانی این و آن قرار گرفته بودم، به میان آمد و از من سخت جانبداری کرد».

این گوشه هایی از جان نشاری های نوریزاد در پیشگاه ولی فقیه و نظام اسلامی اش است. ایشان معتقد است که افراد خودسر چهره نظام را لکه دار کرده اند و همزمان خورده حسابهای خود با تنی چند از دزدان و دیگر سرکوبگران حکومتی را با پدر بزرگوارش، سرکرده دزدان در میان می گذارد. عبارت نیروهای خودسر که در میان مهره های رژیم و اینجا از سوی نوریزاد بکار برده می شود اوج نیت خالصانه این جماعت به کل نظام اسلامی را بیان می کند.

نوریزاد با عوامفریبی این توهم را القا می کند که نظام و پدر بزرگوارش بدون عیب و نقص دارند کارشان را می کنند و این تعدادی خودسر هستند که نظام را لکه دار کرده اند. خود ایشان با قلم زنی در روزنامه کیهان که معرف خاص و عام است و همچنین بقول خودش "در روزهای بحرانی، با برنامه های تلویزیونی اش، با نوشته هایش که رهبر و نظام در معرض تهاجمات طوفانی قرار گرفته بودند به میدان آمد و سخت از آنها حمایت کرد".

دورانی که نوریزاد سخت در دفاع از رهبری و نظام اسلامی در روزنامه کیهان می نوشت و برنامه های تلویزیونی را در مقابل تهاجمات طوفانی تدارک می دید، دم و دستگاه حکومت اسلامی به فرمان رهبری، مشغول قتل و کشتار جوانان و عزیزان مردم در زندانها بود و نوریزاد نیز با نوشته ها و با برنامه های تلویزیونی اش به تحمیق مردم و رواج چرندیات اسلامی سرگرم بود و با تئوریزه کردن و به تصویر کشیدن

نوریزاد و امثال او می توانند بکنند. آنگاه واکنش و قضاوت در برابر چنین اعترافاتی را به مردمی که عذاب بیش از سه دهه فقر، تباهی اعتیاد، تن فروشی، کودکان خیابانی، آدم کشی، زندان، جنایت، شکنجه و اعدام، را بر وجود خود لمس کرده اند باید واگذار کرد.

ما اینها را خوب می شناسیم. بویژه مردم داغدیده و عذاب کشیده کردستان، خانواده شهريار و احسن ناهید، خانواده کمانگرها و خانواده های دهها و صدها اعدامی دیگر در کردستان و دیگر شهرهای ایران که به فرمان خمینی، خلخال، دم و دستگاه پدر بزرگوار نوریزاد و مابقی قاتلان اسلامی بقتل رسیدند، اجازه نخواهیم داد که رانده شدگان از این حکومت همچنان برای نظام اسلامی در بن بست گیر کرده شان عمر بخرند.

۲۲ نوامبر ۲۰۱۳



زندانی سیاسی آزاد باید گردد

دیکتاتورها از آزادی اندیشه وحشت دارند. زیرا پاسدار سلطه اقلیت چپاولگر بر اکثریت مردمند. اولین گام انقلاب مردم در همه جا گشودن در زندانهاست. انقلابی که در ایران آغاز شده با اعلام قانون آزادی بی قید و شرط عقیده و بیان و تشکل، برای همیشه به دوران زندان و زندانهای سیاسی پایان خواهد داد. با سرنگونی توحش اسلامی سرمایه داران، عزیزان در بند را از چنگ دژخیمان رها خواهیم کرد و جامعه ای انسانی و آزاد و برابر را پی خواهیم ریخت.

**زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری!
حزب کمونیست کارگری ایران**

اطلاعیه های حزب کمونیست کارگری

اطلاعیه در مورد
حمله به نیروهای نظامی
جمهوری اسلامی در اهواز

بنا به گزارشها امروز ۳۱ شهریور در اهواز گروهی از افراد مسلح به صف رژه نیروهای نظامی جمهوری اسلامی حمله کرده و دهها نفر را کشته و شمار زیادی را زخمی کرده اند.

نیروهای نظامی جمهوری اسلامی جزئی از دستگاه سرکوب و آدمکشی حکومت هستند و رژه آنها در شهرها تلاشی برای برخ کشیدن قدرت این دستگاه سرکوب است، اما حمله مسلحانه اخیر نه تنها به مبارزات مردم علیه حکومت و نیروهای سرکوبگرش ربطی ندارد بلکه عملا حرکتی در مقابل جنبش انقلابی مردم است.

تا کنون به گزارش خبرگزاریها هم نیروئی با عنوان "مقاومت ملی اهواز"، که گروه قوم پرست الاوحاز جزئی از آنست، و هم گروه فوق ارتجاعی داعش مسئولیت این حمله را بعهده گرفته اند. اما واقعیت هر چه باشد این حرکت عملا مانده ای آسمانی برای حکومت بحران زده ای است که از هر طرف در محاصره اعتراضات و مبارزات توده مردم قرار دارد. رژیم بدنبال این واقعه تلاش خواهد کرد از یکسو فضای پلیسی-امنیتی را در خوزستان و در کل جامعه تشدید کند و از سوی دیگر بر تفرقه افکنی و نفرت پراکنی های قومی-ملی-مذهبی دامن بزند. اما این تلاشها در برابر جنبش انقلابی و حق طلبانه و متحدانه توده مردم بجائی نخواهد رسید. مردم ایران مدتهاست در اهواز و تهران و سنجند و تبریز و قم و مشهد و در سراسر ایران با شعار جمهوری اسلامی نمیخواهیم عزم جزم خود را برای سرنگون کردن حکومت اعلام کرده اند. آینده جامعه را نه تحركات ارتجاعی نیروهای قومی-مذهبی در اپوزیسیون و نه سرکوبگریهای جمهوری اسلامی بلکه مبارزات متحدانه و سراسری توده مردم علیه فقر و نابرابری و بیحقوقی، که اعتصاب عمومی شكوهند مردم كردستان علیه اعدام و علیه تعرض حکومت به نیروهای اپوزیسیون آخرین برآمد آن بود، رقم خواهد زد.

حزب کمونیست کارگری با تمام توان خود در مقابله با تلاشهای پلیسی-امنیتی و

سیاستهای سرکوبگرانه رژیم و همچنین برای خنثی کردن تحركات مسلحانه و تفرقه افکنی های نیروهای قومی-مذهبی مبارزه میکند و مردم سراسر ایران را به اتحاد و همبستگی هر چه استوارتر و گسترده تر در مبارزات انقلابی شان برای بزییر کشیدن جمهوری اسلامی فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۳۱ شهریور ۱۳۹۷، ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۸

احضار و تهدید کارگران
معترض ماشین سازی هپکو
نباید بی پاسخ بماند

دستگاه قضایی جمهوری اسلامی در هماهنگی با دستگاههای امنیتی با صدور احضاریه برای ۱۶ نفر از کارگران ماشین سازی هپکو با اتهامات نخ نما می همیشگی نظیر تبلیغ علیه نظام و شرکت در تجمعات غیرقانونی، این کارگران را به شعبه ۲ دادستانی اراک فراخوانده است. این دادگاه قرار است در هفتم مهر برگزار شود. گفته می شود سه نفر از کارگران توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده اند.

کارگران ماشین سازی هپکو ۸ ماه دستمزد دریافت نکرده اند و در روند خصوصی سازی کارخانه در وضعیت بلاتکلیف رها شده اند. در پی عملی نشدن وعده های مدیرعامل وقت کارخانه و ارگان های حکومت از وزارت صنایع تا استانداری مبنی بر پرداخت دستمزد های معوقه در اواخر اردیبهشت ماه سال جاری، کارگران با تجمعات و راهپیمایی های اعتراضی باشکوه در خیابانهای اراک دست به تظاهرات زدند و با همراهی خانواده های خود با شعار "مسئولین توخالی، امنیت پوشالی" با بستن خطوط راه آهن شمال به جنوب اعتراضات خود را گسترش دادند. جمهوری اسلامی در جریان اعتراضات کارگران ۱۰ نفر را بازداشت کرد و علیه شان پرونده سازی کرد و اکنون با تعطیل کارخانه و پراکنده شدن کارگران، میخواهد از آنها انتقام بگیرد. این نقشه شوم حکومت را باید ناکام گذاشت.

اعتراضات محکم و وسیع کارگران هپکو و خانواده هایشان در چند سال اخیر نشان می دهد که کارگران قادرند دادگاهی شدن رفقایشان را به صحنه اعتراض خود تبدیل کنند و نگذارند حکومت به هدف سرکوبگرانه اش برسد. کارگران هپکو قدم به قدم سنگرهای اتحاد و همبستگی خود را محکم کرده اند. طوفانی از خشم و انزجار برای پایان دادن به بربریت جمهوری اسلامی در سطح کشور در راه

شوراهای سازماندهی اعتراضات را
در همه جا ایجاد کنیم

روند انقلابی که از دیماه ۹۶ شروع شد با فاصله های هر بار کوتاهتری ادامه می یابد و مردم بیشتری حول مسائل و خواست های خود با روحیه ای تعرضی تر به میدان می آیند. توازن قوا به نفع مردم و سازمانیابی مردم در اشکال مختلف تغییر کرده و دورانی از تلاطم های انقلابی آغاز شده است. توده های مردم در یافته اند که برای رهایی از نچ و مشقتی که بر زندگی آنها حاکم شده است، راهی جز سرنگونی حکومت ندارند. حکومت در بی اقبی، استیصال و در هم ریختگی هر چه بیشتر دست و پا میزند و توان ادامه کنترل جامعه به شکل سابق را ندارد. در چنین شرایطی لازم است سرعت متشکل شویم، تشکل های مناسب این دوره را ایجاد کنیم و سازمان یافته و با نقشه مسیر سرنگونی را با دخالت هر چه بیشتر توده های مردم و با قدرت و با کمترین مخاطره به پیش ببریم.

یک ابزار مهم هدایت و سازماندهی مبارزات در این شرایط، شوراهای سازماندهی اعتراضات است. شوراهای سازماندهی میتوانند در محلات و شهرها وسیعا ایجاد شوند و سازماندهی مبارزات را بعهده بگیرند. شوراهای سازماندهی شکل مناسب هدایت اعتراضات و اعتصابات توده ای و سراسری در شرایط حاضر است که میتوانند در هر محل و شهر و منطقه ای اعتراضات مردم را رهبری کنند، مردم را حول خواست های سیاسی و رفاهی و حول خواست های آزادیخواهانه و عدالت طلبانه متحد نگهدارند، جلو شعارها و تاکتیک های انحرافی را بگیرند و در واقع نقش رهبری میدانی مردم را بعهده بگیرند. رهبران و فعالین کارگری و اجتماعی از تجارب گراقتداری در سازماندهی برخوردارند و در ایجاد این تشکل ها میتوانند نقش بسیار مهمی ایفا کنند.

شوراهای سازماندهی در شرایط کنونی اساسا مخفی هستند اما در اولین شرایط مناسب اعلام موجودیت میکنند و علنی میشوند. شوراهای سازماندهی ایجاد شوراهای مردم برای اداره جامعه را در مراحل بعدی تسهیل میکنند.

حزب کمونیست کارگری فعالین سیاسی و اجتماعی و فعالین و رهبران کارگری و جوانان معترض را فرامیخواند که در هر شهر و محلی که میتوانند، دست به کار ایجاد این شوراهای شوند. فعالین میتوانند تعداد هر چه بیشتری از کسانی را که میخواهند در این شرایط علیه حکومت و برای پیشروی انقلاب فعالیت کنند، در این شوراها جمع کنند، با استفاده از روابط و امکانات خود و با استفاده از مدیای اجتماعی حلقه تماسی خود با مردم شهر را گسترش دهند و خود را برای ایفای نقش در شرایطی که جامعه وارد تلاطم انقلابی شده و مبارزات روز بروز تعرضی تر و گسترده تر میشود، آماده کنند.

جامعه ایران وارد دوره تازه و تعیین کننده ای شده است. شوراهای سازماندهی یک پاسخ مهم برای استقبال از این شرایط است. حزب کمونیست کارگری از هر اقدام و ابتکار عملی در این راستا حمایت میکند و از تبادل نظر و شنیدن نظرات و پیشنهادات فعالین برای شکل دادن به شوراهای سازماندهی به گرمی استقبال میکند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ تیر ۱۳۹۷، ۶ جولای ۲۰۱۸

است. در چنین شرایطی کارگران هپکو با اتحاد و همبستگی خود و خانواده هایشان قادرند با تجمع گسترده خود در مقابل شعبه دوم دادستانی اراک در روز هفتم مهرماه جلو دادگاهی شدن و محکومیت همکاران خود را بگیرند.

ما کارگران سایر مراکز کارگری در اراک و خانواده هایشان را فرا می خوانیم که در اقدامی هماهنگ با تجمع مقابل شعبه دادستانی خواهان لغو پیگردهای قضایی برای کارگران معترض شوند!

اعتراضات کارگران هپکو در این چند ساله يك سنگر مهم مبارزه در جنبش کارگری

بوده و نقش مهمی در جلو آوردن گفتمان های رادیکال و تعرضی در جامعه داشته است. احضار ۱۶ کارگر این کارخانه به دادگاه، تعرضی به کل کارگران و کل جامعه است. با بیانیه های اعتراضی خود در همه جا این احضار ها را باید محکوم کرد. دستمزد های پرداخت نشده کارگران هپکو باید سریعاً پرداخت شود و به وضعیت بلاتکلیف آنان خاتمه داده شود!

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۸ شهریور ۱۳۹۷
۱۹ سپتامبر ۲۰۱۸

از صفحه ۵ نگاه هفته مجموعه اخبار و ...

کودکان در سایه عدالت آموزشی محقق گردد.

جان هوشمند علی پور و محمد استاد قادر در خطر جدی مرگ هست.

هوشمند علی پور و محمد استاد قادر در تاریخ ۱۲ مرداد ۱۳۹۷ در کردستان ایران، اطراف شهر بانه در کمین نیروهای مسلح جمهوری اسلامی قرار گرفته و با اصابت گلوله و گاز اشک آور به چنگ نیروهای اطلاعاتی و سپاه پاسداران جمهوری اسلامی درآمده اند.

مقامات اداره اطلاعاتی در شهر سقز، چهار روز بعد از دستگیری، آنها را زیر شکنجه و آزار و تهدیدات زیاد در تلویزیون رژیم مجبور به اعتراف علیه خود واداشته اند.

از تاریخ دستگیری این دو زندانی ما بعنوان خانواده هوشمند علی پور هیچگونه اطلاعی از سلامت و شرایط جسمانی هوشمند نداریم.

هوشمند و دوستش مطمئناً زیر شکنجه های بی رحمانه جمهوری اسلامی قرار دارند و اجازه هیچ نوع تماس با بیرون را نداشته اند، حتی به وکیل های آنان اجازه ملاقات با موکلین شان را نداده اند.

در حال حاضر آنها کماکان زیر شکنجه های شدید جسمانی قرار دارند و جمهوری اسلامی از آنها اعترافات اجباری می گیرد تا پرونده های سنگین با اتهامات سنگینی برای آنان صادر و به اتهام اقدام به امنیت ملی آنان را به اشد مجازات محکوم کند. مردم آزادیخواه و برابری طلب، همه انسان هایی که علیه مجازات شکنجه و اعدام مبارزه میکنند و این اعمال جمهوری اسلامی را

جنایت علیه بشریت میدانید، با تلاش فراوان و مبارزه جلی، همچنین اطلاع رسانی از وضعیت این زندانیان سیاسی می توانیم صدای آنان را در راستای رسیدن به يك پروسه عدالت و برخورداری از حق اولیه يك زندانی که ملاقات با اعضای خانواده، حق داشتن يك وکیل رسمی و تماس با بیرون و برخورداری از امکانات پزشکی و درمانی است را با فشار به سیستم قضایی جمهوری اسلامی و از طریق کانالهای بین المللی حقوق بشری و ارگانهای مدنی این خواسته های ابتدایی برای آنان را مطالبه کنیم.

صدای زندانیان سیاسی هوشمند علی پور و محمد استاد قادر باشیم.

هه ژار

۲۱ سپتامبر ۲۰۱۸

سکوت دولتهای اروپایی در رابطه با اعدام رامین حسین پناهی، زانیار و لقمان مرادی محکوم است

اعدام رامین حسین پناهی، زانیار و لقمان مرادی، موجی از خشم و انزجار میلیونی مردم را در سراسر جهان در پی داشت. هزاران نفر از مردم شرافتمند و انسان دوست، وجدانهای بیدار و آگاه، از ایران تا اروپا و آمریکای شمالی با اعتراضات خیابانی با کمپین آتش زدن طنابهای دار و "ما همه رامین، زانیار و لقمان هستیم" به این جنایت آشکار اعتراض کردند.

از دهها میدان و خیابان فریاد خشم علیه اعدام سر داده شد! این حجم عظیم اعتراضات و تظاهرات به وسعت جهان، علیه سبوعیت و درندگی حکومتی در شرف سقوط، صحنه مبارزه مردمی بود که پرچم نه به اعدام در دست از حرمت انسانیت دفاع کردند!

مردم کردستان علیه حکم اعدام این سه زندانی سیاسی، با برگزاری اعتصاب عمومی و یکپارچه، پیام روشن مردم ایران به جمهوری اسلامی را اعلام کردند! علیرغم این مبارزات عظیم و با شکوه، دولتهای اروپایی خفقان گرفتند! این سکوت و مماشات را مادران و پدران داغدار و ستمدیده ایران، هزاران خانواده زندانیان سیاسی و همه وجدان زخم خورده بشریت در دهه شصت، در آن سالهای کشتار و خون و جنون حکومت اسلامی تجربه کرده بودند! در آن هنگام هم دولتهای اروپایی خود را به نفهمی زدند! چشمشان را بر آن جنایات عظیم بستند و دست قاتلین شریف ترین فرزندان مردم را فشرده و بر سر میز دیپلماسی چانه زدند!

مبارزات دلیرانه مردم ایران از اعتصابات عظیم کارخانجات تا صدها تظاهرات و فتح خیابانها می رود که بساط جمهوری اسلامی را برای همیشه برود. این مبارزات بی امان، تکلیف این سکوت نفرت آور، این رفتار ضد انسانی، این دیپلماسی خونین و ننگینی که در خاطره تاریخی ما مردم برای ابد حک شده است را هم روشن خواهد کرد! امر این دیپلماسی مشمزز کننده همانند عمر حکومت اسلامی ایران رو به آخر است! مبارزات وسیع مردم ایران در مقابل بربریت حکومت اسلامی ایران، حامیانش را در میان وجدان بیدار و آگاه بشریت متمدن یافته است!

کمیتته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، همپیمان با هزاران مردمی که به میدان آمدند، ضمن محکوم کردن سکوت و مماشات نفرت آور تا کنونی دولتهای اروپایی، اعدام این سه زندانی سیاسی را به کمپینی علیه حکومت اسلامی و در حمایت از

هیچگاه با شما وداع نمیکنم!



مینا احدی

زانیار عزیزم، از یکسال قبل رابطه تلفنی و با اسکایپ را با تو قطع کردم بدون اینکه به خودت و لقمان توضیحی بدهم. فقط از راه دور و از طریق پدرت پیغام دادم که رفتن شما را نمیتوانم تحمل کنم. بعد از ریحانه، زمین زیر پایم لرزید. یکبار نوشتم که رابطه پاهایم با زمین و این دنیا قطع شد. و همواره میترسیدم روزی برسد که صدای خنده های تو و یا شوخیا و از عشق و دلتنگی هایت برایم حرف زدن چنین پایان یابد. از این روزها میترسیدم و بهمین دلیل بدون خداحافظی و بدون کلامی، رفتم. هر گاه در اسکایپ استم را میدیدم کامپیوترم را خاموش کرده و میرفتم.

اما آن روز رسید، آن روز امروز است و من میخواهم بگویم یاد و خاطره تو و ریحانه و رامین و لقمان و صدها جوان آزاده دیگر در قلبهای ما است، اما برخی مواقع احساس میکنم این قلب گنجایش درد بیشتر را ندارد، چون بنظر من اگر کسی و یا کسانی بجز مادر و پدر و خانواده و بستگان، با شما آشنا میشدند و اگر کسانی شما را به خانه خود راه داده و قلبهایشان را برویتان می گشودند، همین حال مرا داشتند.

یکی از این بشمار انسانهای عزیز، هم بندی شما سعید ماسوری است. در يك نامه احساس اش را نوشت، بسیار شبیه احساس من، چگونه ممکنست جلدانی بیرحم، خنده و زیبایی و عشق و آزادی را چنین وحشیانه اعدام کنند، چگونه میتوانند چنین کنند.

وقتی ریحانه را ربودند و در زندان بود، بسیار دودیدم و جنگیدیم و در آن دوره بسیار کسانی را شناختم که قبلاً آنها را چنین ندیده بودم. در آن دوره هیلا صدیقی که قبل از آن شاعر شجاع و خوشفکری در نظرم بود، شناختم که غیر مستقیم علیه کمپین نجات ریحانه حرف زد و اکنون او در آلمان میخاهد شعر بخواند و نمیخواهم هیچگاه او را ببینم و یا به حرفهای اعتماد کنم. انجمن کذایی امام علی را دیدم و شناختم که بخشی از تعفن

زندان بود، بسیار دودیدم و جنگیدیم و در آن دوره بسیار کسانی را شناختم که قبلاً آنها را چنین ندیده بودم. در آن دوره هیلا صدیقی که قبل از آن شاعر شجاع و خوشفکری در نظرم بود، شناختم که غیر مستقیم علیه کمپین نجات ریحانه حرف زد و اکنون او در آلمان میخاهد شعر بخواند و نمیخواهم هیچگاه او را ببینم و یا به حرفهای اعتماد کنم. انجمن کذایی امام علی را دیدم و شناختم که بخشی از تعفن

۲ مهر ۹۷

جنبش عدالت خواهانه مردم ایران با قدرت و صلابت به پیش می رود و ما برای سرنگونی این حکومت و سازمان دادن یک زندگی عاری از خشونت و استثمار و نابرابری و یک زندگی بهتر آماده هستیم.

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!